

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

نقش فعالین اجتماعی در تحقق مطالبات جنبش ها اجتماعی در ایران

بی شک نقش فعالین و نیروهای «پیشرو» در عرصه مبارزات اجتماعی جنبش ها در ایران حائز اهمیت است. که این ویژگی در تجربه مبارزات اجتماعی تاریخ معاصر ایران بوضوح دیده می شود. مبارزاتی که همراستا با نخبگان سیاسی و اجتماعی، شخصیت هائی همچون ستارخان و باقرخان و... را به تاریخ معرفی می کند که از جنبش مردم و حامل مطالبات آنان بودند. این نیروها بدلیل عدم وابستگی به احزاب و باندهای قدرت از اعتماد و اقبال بیشتری در نزد مردم و اقشار اجتماعی برخوردار بودند و بدلیل عدم وابستگی به حاکمیت و احزاب وابسته به قدرت می توانستند نقش خود را در بزنگاهای تاریخی بدرستی ایفا کنند و صف بندیهای سیاسی و اجتماعی را بیش از پیش شفاف سازند تا جامعه بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد و بر مطالبات خود پافشاری نماید. هم اکنون جامعه ایران پس از ده ها سال مبارزات متعدد خصوصاً پس از چهاردهه که از قیام ۵۷ می گذرد، با انبوهی از مطالبات مواجه است که در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی انباشته شد. با عملکرد حاکمیت سیاسی ایران که خود از درون یک انقلاب تکوین یافته، تمامی واژه ها و مفاهیم و مطالبات حوزه های متفاوت مسخ شد و همانطور که مشاهده می کنیم. جامعه و جنبش های اجتماعی در یک خلاء مبارزاتی قرار دارد. ناگفته پیداست که سرکوبهای سیستماتیک یکی از عواملی است که کمک به خلاء مبارزاتی می کند. مقابله حاکمیت سیاسی با شکل گیری احزاب مستقل، نهادهای صنفی- سیاسی مستقل، اتحادیه ها و... از نتایج استراتژی سرکوب رژیم محسوب می گردند.

هم اکنون جامعه ایران در دهه ۹۰ به سر می برد. آنهم در شرایطی که نه تنها احزاب سیاسی مستقل از حاکمیت شکل نگرفته اند که حتی حاکمیت از شکل گیری نهادهای مستقل صنفی هم در عرصه جنبش های اجتماعی جلوگیری می کند. این مهم باعث می گردد که در شرایط کنونی هنوز هم، تاثیر نقش شخصیت ها و فعالین اجتماعی و نیروهائی که قدرت سازماندهی و عملکرد آنان منجر به تغییر موازنه قدرت به نفع جنبش ها گردد، برجسته باشد. عملکرد این نیروها می تواند هم سطح یک نهاد صنفی یا سازمان سیاسی تاثیر داشته و بعنوان نماد و پرچم در حوزه جنبش ها ایفای نقش کنند و شاهدیم که در به صحنه آوردن بدنه جنبش های اجتماعی به حوزه عمومی خصوصاً در فضای مجازی ایفا نقش کرده اند. با نگاه اجمالی به وضعیت فعلی جنبش های اجتماعی می توانیم نقش این شخصیت ها را بوضوح مشخص کنیم؛ طی دهه ها اخیر دستگیری نیروهای پیشرو و فعالین نهادهای صنفی، فرهنگی و سیاسی به توسط نهادهای امنیتی و در جهت توقف فعالیت مطالبات اجتماعی در حوزه عمومی از سیاستهای حاکمیت محسوب می شود. و اگر نگاهی موجز به وضعیت زندانهای رژیم بیاندازیم، دستگیریها بر فعالین جنبش های اجتماعی متمرکز بوده که حتی صدای اصلاح طلبان حکومتی و سازمانهای حقوق بشری هم درآورده است! گرچه فشارهای امنیتی به فعالین اجتماعی مداوما ادامه دارد اما حمایت بدنه اجتماعی از این فعالین در جنبش ها نیز به عنوان یک خواسته و مطالبه دارای گسترش کمی بوده است.

باید دوباره اعتراف کرد که کیفیت جنبش های اجتماعی در ایران با نیروهای پیشروی آن قابل تشخیص است. که این افراد به توسط نیروهای امنیتی دستگیر می شوند و سر از زندان های رژیم فقهاتی در می آورند؛ علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که هم اینک برای گذراندن حکم شش ماهه به زندان احضار شده است. سعید ماسوری، رضا شهابی، ابوالقاسم فولادوند، شاهین ذوقی تبار، محمد نظری و محمد بنزاده امیرخیزی، از جمله زندانیانی هستند که در پی اعتصاب غذا هم اکنون در زندان رجائی شهر به سر می برند. و در ادامه بهنام ابراهیمزاده، واله زمانی و پیمان سالم که در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان رجائی شهر اخیراً دستگیر شده اند. به عنوان نمونه دیگر گفته باشیم که پیمان سالم، دانشجوی ۱۹ ساله که در حمایت از زندانی اعتصاب غذا بازداشت شده است. واله زمانی نیز از فعالان کارگری است که پیش از این نیز در تجمعات کارگری چندین بار به صورت کوتاه مدت بازداشت شده است.

دستگیری فعالین اهل کرمانشاه که بدلیل حمایت از وضعیت کولبران بازداشت شده شهریار رستمی، فرزاد سفره، فواد مظفری، ارسلان عباسی و شهریار طهماسبی از جمله بازداشت شدگان اخیر در این استان هستند. در گیلان غرب هم رسول صیادی منش در ارتباط با کولبران توسط نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت شده است. آتنا دائمی، فعال حقوق بشر و کودکان کار که در بند زنان زندان اوین مشغول تحمل محکومیت است. رضا شهابی، فعال کارگری که نزدیک به ۴۰ روز است که در زندان رجائی شهر دست به اعتصاب غذا زده است. وی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است. راحله راحمی پور، فعال مدنی که هفته جاری توسط نیروهای وزارت اطلاعات در منزل خود بازداشت شده بود و کماکان در بند امنیتی زندان اوین به سر می برد. خانم راحمی پور تحت بازجویی قرار دارد هر چند موضوع بازجویی از ایشان ارائه نشده است اما او از دهه شصت به دنبال

برادرزاده خود که در زندان اوین مفقود شد تلاش می کند و دلایل مرگ بردار خود در زندان را جویا شده است. زندانیان سیاسی- عقیدتی رجایی شهر کرج که در اعتراض به نقض حقوق قانونی شان به صورت دسته جمعی اعتصاب غذا کرده بودند، پس از چهل روز و بنا به درخواست خانواده‌ها، همبندیان، فعالان سیاسی و نهادهای بین المللی، اعتصاب غذای خود را به روزه سیاسی تبدیل کرده‌اند. با اینحال دست کم دو زندانی از جمله رضا شهابی و محمدنظری با توجه به تفاوت مطالبات به اعتصاب غذای اعتراضی خود ادامه می دهند. بازداشت ساسان آقایی، روزنامه‌نگار و معاون سردبیر روزنامه اعتماد برای یک ماه دیگر تمدید شده است. مقامات قضایی دلیلی برای تمدید بازداشت او برای دومین ماه ارائه نکرده‌اند. این روزنامه‌نگار از زمان بازداشت تاکنون در سلول انفرادی بند ۲۴۱ زندان اوین متعلق به حفاظت قوه قضاییه به سر می‌برد و همچنان بازجویی می‌شود. سعید شیرزاد دانشجوی زندانی عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان اهل کرمانشاه. نرگس محمدی فعال کانون مدافعان حقوق بشر که پروسه محکومیت خود را بسر می برد. عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری، عضو کانون مدافعان حقوق بشر و عضو کانون وکلای دادگستری که پس از هفت سال زندان در اوین بسر می برد.....

شاکله حمایت از فعالیت اجتماعی که هم اکنون بخشی ناچیز از آنان را تیتروار مطرح کردیم، تنها به عنوان یک دغدغه فردی مطرح نیست. زیرا همانطور که گفتیم این نیروها پرچم و شاقل مبارزه ات اجتماعی هستند که به واسطه حاکمیت و نهادهای امنیتی آنان را به گروگان گرفته اند تا شاید بتوانند با ایجاد ترس در بدنه جنبش ها چند صباحی هرچند گذرا به حاکمیت ننگین خود ادامه دهند. در این رابطه لازم است که نیروهای دردمند و جریانت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که در حوزه جنبش های اجتماعی در ایران فعال هستند، به این مهم توجه داشته باشند که به میزان حمایت از این نیروهای پیشرو می توانند کمک کنند که فرآیند بسیج و به صحنه آوردن اقشار مختلف خصوصا بدنه اجتماعی جنبش های اجتماعی به عرصه عمومی و ایجاد همگرایی در طرح مطالبات و همگرایی جنبش های اجتماعی در این حوزه بیشتر گردد!

باید تاکید کنیم که حمایت از فعالین در حوزه های متعدد اجتماعی زمینه ای است در جهت همگرایی تمامی جنبش ها و تحقق مطالباتی که عمدتا در تمامی جنبش ها به عنوان یک خواست عمومی مطرح است. مسائل صنفی، حمایت از ایجاد نهادهای مدنی و صنفی، سیاسی و فرهنگی و... امری نیست که مختص به یک جنبش اجتماعی باشد. و این مسئله ثابت می کند که حمایت همه جانبه از فعالین اجتماعی می تواند به عنوان یکی از راهکارهای قرار گیرد که به تحقق مطالبات جنبش ها در ایران یاری رسانده و فشار به بالائی های قدرت را براساس خواست همگانی تقویت نماید. چنین باد

تعدادی از فعالین اجتماعی محبوس در زندانهای رژیم فقاہتی



کارگران آذر آب تجمع کردند

گروهی از کارگران کارخانه آذر آب در ادامه پیگیری‌های صنفی خود، در مقابل دفتر امام جمعه اراک، ساختمان دادگستری و مرکز صدا و سیمای استان مرکزی تجمع کردند. این کارگران مدعی هستند که بیش از ۵ ماه است مطالبات مزدی طلبکارند و در همین راستا از مسئولان مربوطه تقاضای رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود را مطرح کردند که برطرف شدن مسئله بدهی‌های بیمه‌ای و بانکی و از سرگیری فعالیت‌های کارخانه از جمله این مطالبات است. همچنین کارگران معترض در ادامه پیگیری‌های خود با مراجعه به ساختمان صدا و سیمای استان مرکزی، نسبت به اظهاراتی که شب گذشته از زبان کارفرمای این واحد صنعتی منتشر شده است، انتقاد کردند. در برنامه تلویزیونی شب گذشته «سیمای کارگر» که به صورت زنده از شبکه تلویزیونی استان مرکزی پخش شد، «فریبرز پرنای» مدیرعامل کارخانه آذر آب معوقات مزدی کارگران را کمتر از سه ماه و سایر پرسنل شاغل را حدود سه ماه عنوان کرده و گفته است: طی سه ماه گذشته کارگران کارخانه آذر آب اراک فقط ۲۰ تا ۲۵ روز فعالیت تولیدی داشته و مابقی روزها را در خیابانهای شهر اراک دست به اعتراض صنفی زده‌اند.



اعتراض صنفی کارگران پروفیل ساوه در واکنش به تعویق ۶ ماه حقوق

۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه پروفیل ساوه مقابل درب ورودی کارخانه و فرمانداری شهرستان تجمع کرده‌اند. این کارگران دلیل این اعتراض صنفی را تعویق ۶ ماه مطالبات مزدی خود اعلام کرده و افزودند: پس از برپایی این تجمعات، روز گذشته با قولی که از سوی مسئولان فرمانداری در مورد اینکه تا آخر هفته مطالبات معوقه پرداخت خواهد شد، اعتراضات کارگران خاتمه یافت. آن‌ها در ادامه افزودند: از زمان به تأخیر افتادن پرداخت مطالبات مزدی تأمین معاش خانواده‌های این کارگران با دشواری‌های روبرو شده است و در این میان شرایط کارگران متاهلی که دارای فرزند دانشجو یا دانش‌آموز هستند با نزدیک شدن به موعد بازگشایی مدارس دشوارتر شده است. گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه در شهرستان ساوه قرار دارد که مجموعاً بیش از ۱ هزار و ۱۰۰ کارگر در آن مشغول بکار است.



کارگران سیمان مسجدسلیمان دوباره اعتراض کردند

حدود ۲۵۰ کارگر کارخانه سیمان کارون در اعتراض به پرداخت نشدن مطالباتشان مقابل دفتر نماینده مسجد سلیمان و ساختمان اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان مسجد سلیمان تجمع کردند. یکی از کارگران در این مورد توضیح داد: این واحد صنعتی حدود ۴۷۰ کارگر رسمی قراردادی و روزمزد دارد که در این میان کارگران رسمی و قراردادی معادل ۵ ماه مزد معوقه و کارگران روزمزدی حدود ۱۷ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده؛ طلبکارند. او با بیان اینکه در همین رابطه شکایتی نیز از سوی کارگران اداره کار ثبت شده است، افزود: طبق رأی هیئت تشخیص کارفرما موظف به پرداخت همه مطالبات معوقه مزدی و بیمه‌ای کارگران شده اما تاکنون کارفرما با ادعای نداشتن استطاعت مالی از این حکم تمکین نکرده است. این کارگر سیمان مسجد سلیمان یادآور شد: جدا از این طلب، بابت سنوات دو سال گذشته و برخی مزایای عرفی همانند سبد کالا نیز طلبکاریم؛ خواسته ما تنها به‌روز شدن مطالبات مزدی و حقوقی است با این حال مسئولان در این واحد صنعتی نتوانسته‌اند مشکلات این واحد صنعتی را حل کنند.

رانندگان در اعتراضی مسالمت آمیز خواستار آزادی رضا شهابی عضو زندانی سندیکای شرکت واحد شدند

بنابر درخواست سندیکای کارگران شرکت واحد، رانندگان خطوط BRT از ابتدای صبح به نشانه اعتراض به زندانی کردن مجدد رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای واحد که در سی و ششمین روز اعتصاب غذا بسر می‌برد چراغ‌های اتوبوس‌هایشان را روشن کردند و سرعت اتوبوس‌ها را ۲۰ کیلومتر کاهش دادند. البته از یک روز قبل عوامل امنیتی و حراستی شرکت واحد آماده بودند و روز قبل یکی از رانندگانی که اعلامیه اعتراضی را در بین رانندگان پخش می‌کرد توسط گشتی‌های واحد دستگیر و به پلیس امنیت پایگاه هشتم تحویل داده شد و امروز با پرونده سازی امنیتی‌ها با قرار کفالت در دادرسی اوین آزاد شد، امروز هم عوامل مدیریتی و امنیتی به طور چشمگیر و مرتب در خطوط BRT حضور داشتند و تعدادی از رانندگان معترض را از خطوط بیرون کردند و به تعدادی از اعضای فعال سندیکا هم که شناخته‌تر بودند اجازه تردد در خطوط را ندادند و البته که این اقدامات نتوانست تاثیری بر خاموش کردن چراغ معترضین بگذارد و در نوبت عصر تعداد بیشتری از رانندگان به این اعتراض پیوستند. سندیکای کارگران شرکت واحد

پیش به سوی شناخت جنبش کارگری ایران

دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است

تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری شکل مستقل طبقاتی» بشوند.

در حوزه اشتغال رتبه ۱۳۹ ایران در شاخص شکاف جنسیتی بین ۱۴۴ کشور

رئیس فراکسیون زنان مجلس گفت چهار موضوع بهداشت، آموزش، مدیریت سیاسی و اقتصاد شاخص‌های شکاف جنسیتی‌اند که بر این اساس ایران از بین ۱۴۴ کشور در رتبه ۱۳۹ قرار گرفته و کشورهایی مثل مالی، سودان و چاد بعد از ایران قرار دارند یعنی حتی وضع ایران از عربستان و پاکستان هم در این شاخص‌ها بدتر است. به گفته پروانه سلحشوری، زنان هم مانند مردان درگیر بحران اشتغالند و فراکسیون زنان مجلس به دنبال سهم حداقل ۵۰ درصدی زنان در اشتغال است. سلحشوری با بیان اینکه زنان باید در بخش کارآفرینی به شکل جدی مورد توجه قرار گیرند، اضافه کرده زنان در سال‌های اخیر در بخش کارآفرینی خوب ظاهر شده‌اند و توانسته‌اند توانمندی خود را نشان دهند که علتش کم بودن جذب زنان در بخش دولتی است. سهم زنان از بازار کار ایران ۱۵ درصد است در حالیکه ۴۹ درصد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. ایران در زمینه اشتغال زنان جزو بدترین کشورهای جهان است.

پلیس اجازه برگزاری تجمع حمایت از رضا شهابی را نداد



فراخوانی که همسر رضا شهابی فعال کارگری زندانی برای تجمع مقابل مجلس داده بود با استقبال فعالان کارگری ولی با ممانعت نیروهای پلیس روبرو شد. نیروهای پلیس حتی اجازه نزدیک شدن به مجلس را هم به مردم ندادند. ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور بنا بر فراخوانی از سوی همسر رضا شهابی، فعال کارگری زندانی، قرار بود تجمعی در اعتراض به عدم رسیدگی وضعیت این زندانی مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شود. به گزارش برخی رسانه‌های حقوق بشری، گروهی از مردم و نیز فعالان کارگری و رانندگان شرکت واحد که هم‌صنفی‌های رضا شهابی هستند به میدان بهارستان تهران رفتند اما پلیس همه را متفرق کرد و حتی اجازه نزدیک شدن به مجلس را هم به آنها نداد. بر اساس این گزارش‌ها تجمع‌کنندگان عکس‌هایی از رضا شهابی را در دست داشتند و خواهان رسیدگی به وضعیت او که در اعتصاب غذا به سر می‌برد، بوده‌اند.

تجمع کارگران قراردادی و بازنشسته کارخانه پارسیلون مقابل اداره کل کار

شماری از کارگران قراردادی و بازنشسته نساجی پارسیلون خرم‌آباد در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت مطالبات مزدی و سنواتی خود مقابل ساختمان اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان لرستان تجمع کردند. در این زمینه یکی از کارگران گفت: بیش از یک سال و نیم است که کارخانه پارسیلون تعطیل اعلام شده و کارگران قراردادی که از زمان تعطیلی کارخانه تاکنون بیکار شده‌اند، وضعیت شغلی مشخصی ندارند و مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده‌اند. در میان من و همکارانم افرادی هستند که سابقه کاری آنها تا ۱۵ سال هم می‌رسد و در تمامی این سالها ترس از بیکاری همیشه همراهمان بوده است. همچنین کارگران که از حدود دو سال پیش بازنشسته شده‌اند اما در این فاصله هنوز سنوات بازنشستگی خود را دریافت نکرده‌اند. از قرار معلوم این واحد تولیدی حدود ۱۲۰ کارگر رسمی نیز دارد که میزان مطالبات معوقه آنها از بدو تعطیلی کارخانه تا امروز به حداقل ۳۰ ماه رسیده است. کارگران رسمی که دارای سوابق بالای ۲۰ سال هستند، می‌گویند در صورتی که کارفرمای جدید بتواند مطالبات معوقه بیمه‌ای آنها را پرداخت کند امکان بازنشسته شدن پیدا می‌کنند. به گفته آنها در حال حاضر مالکیت این واحد نساجی بابت دیون معوقه به چند بانک و سازمان طلبکار واگذار شده و مدیریت آن برعهده شرکت سرمایه‌گذاری آتیه دماوند محول شده است.



تجمع بازنشستگان کشوری مقابل سازمان برنامه و بودجه

در این تجمع که از روزهای قبل در فضای مجازی سازماندهی شده بود، معلمان و فرهنگیان بازنشسته شرکت کردند. خواسته بازنشستگان، اجرای دقیق همسان‌سازی مستمری‌ها، اجرای قانون خدمات مدیریت کشوری و گسترش خدمات بیمه‌ای است. در عین حال جمعی از بازنشستگان لشکری صبح امروز مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. خواسته آنان نیز اجرای قانون خدمات مدیریت کشوری و پرداخت معوقات مزدی است.

اعتراض انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود نسبت به دستگیری فعالین کارگری و...

«چه بر سر انقلاب مستضعفین آمده است؟»

کافی است راه بر روستایی کج کنید، به حاشیه کلان شهری بروید یا مثلا در همین شاهرود صبح ها به میدان مرکزی شهر سری بزنید تا سوالی عظیم ذهنتان را مشغول کند که «چه بر سر انقلاب مستضعفین آمده است؟» به راستی در این چهار دهه چه کرده ایم که کارفرمایی به خود جسارت تعدی به کرامات انسانی زیر دستانش را می دهد؟ کدام راه را غلط رفته ایم که سندهای توسعه مان که دواي هر دردش میخوانند نگرشی (آن هم ابتر) به اقتصادی نئولیبرال دارد که در طولانی مدت کاری جز افزایش سلطه فرادست بر فرودست نمی کند؟ بهتر است آنان که دم از صدور انقلاب می زنند و ادعای برافراشتن پرچم حق طلبی در جهان را دارند به این سوال پاسخ بدهند که با کدام معیار حق طلبی و بر طبق کدام آموزه عدل علوی یک کارگر به جرم مطالبه حق قانونی خود امروز در زندان است؟ مگر رضا شهابی ها خواسته ای جز داشتن نهاد صنفی مستقل دارند؟ آیا سیاستمداران ما که عادت کرده اند گاه و بیگاه از مردم خرج کنند، محرومین و مستضعفین را صرفا برای عکسهای انتخاباتی خود میخواهند؟ کدام دست پیدا و پنهانی برخلاف نثر قانون اساسی مانع ایجاد سندیکا ها و دیگر ساختارهای جامعه مدنی می گردد؟ کدام نهاد انتصابی یا انتخابی حق داشتن خانه کارگر و معلم و هنرمند را از مردم دیکتاتوری ندیده ما دریغ می کند؟ در این مثلا برج بلند دموکراسی چه خبر است که زندانیانش برای وصول حقوق ابتدایی خود باید دست به اعتصاب غذا بزنند؟ بر ما چه رفته است که خود را زمینه ساز ظهور میخوانیم اما بدهی ترین حقوق مردم عزیزمان را از آنان دریغ می کنیم؟ گویی این روزها گرد غفلت بر خیلی از دل ها نشسته است تا این سخن متین را نشوند که: «الملک بقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشجویان ایران (تادا) مجوز فعالیت گرفت

در جلسه ای که روز دوشنبه نهم مردادماه در محل وزارت علوم برگزار شد، موضوع تقاضای تعدادی از تشکلهای اسلامی دانشجویان در دانشگاههای وزارت علوم و وزارت بهداشت مبنی بر تشکیل «اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشجویان ایران (تادا)» مورد بررسی قرار گرفت و پس از بحث و بررسی گزارشات و ابعاد موضوع و طرح نظرات اعضا، تقاضای تشکیل «اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشجویان ایران (تادا)» با رأی اکثریت اعضا مورد تصویب قرار گرفت. گفتنی است که تاکنون تشکلهای اسلامی دانشجویی با نامهای انجمن اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت)، انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، جامعه اسلامی دانشجویان، بسیج دانشجویی، جنبش عدالتخواه دانشجویی مجوز فعالیت به صورت اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشجویی را دارا هستند که از این پس اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشجویان ایران (تادا) نیز به این اتحادیههای تشکلهای دانشجویی افزوده خواهد شد.



نامه بیش از ۳۰ انجمن اسلامی دانشگاههای سراسر کشور خطاب به سرپرست وزارت علوم

به دلیل محدودیت فعالیت برای تشکل های دانشجویی

بیش از ۳۰ انجمن اسلامی دانشگاههای سراسر کشور در نامه ای خطاب به سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات با اشاره به برخی محدودیتها برای تشکلهای دانشجویی در سالهای اخیر، خواستار برگزاری جلسه ای با حضور نمایندگان این تشکلهای به منظور تبادل نظر و استماع مشکلات دانشجویان در اسرع وقت شدند. در متن این نامه آمده است: «با احترام، ما جمعی از تشکلهای دانشگاههای سراسر کشور از حضرتعالی خواهشمندیم جهت تبادل نظر درباره برخی کاستیهایی که در گذشته در وزارت حاکم بود، مانند عدم حمایت وزارت از تشکلهای دانشجویی در مقابل برخوردها و دخالتهای غیرقانونی نهادهای غیردانشگاهی، عدم حمایت مالی، عدم پیگیری مجوز اتحادیه، لغو نشستهای هم اندیشی و همچنین بیان مطالبات جامعه دانشجویی کشور، جلسه ای حضوری در اسرع وقت ترتیب داده شود. پیشاپیش از توجه و وظیفه شناسی شما سپاسگزاریم.» در لیست امضا کنندگان این نامه اسم تشکلهای اصلاح طلب دانشگاههای هنر، پلی تکنیک، علم و صنعت و علامه طباطبایی از تهران و همچنین دانشگاههای هرمزگان، ارومیه، زنجان، کردستان، سیستان و بلوچستان، دامغان، لرستان، گلستان، شهرکرد، بیرجند، کاشان، تفرش، اراک، صنعتی شاهرود، صنعتی نوشیروانی بابل، صنعتی سهند تبریز، صنعتی کرمانشاه، صنعتی شیراز، علوم پزشکی تبریز، علوم پزشکی کرمان، علوم پزشکی کرمانشاه، علوم پزشکی همدان، هنر اصفهان، شهید باهنر کرمان، بین الملل امام خمینی قزوین، فردوسی مشهد و رازی کرمانشاه از سراسر ایران آمده است.

پس از فراخوان همسر آقای رضا شهابی کارگر زندانی برای تجمع در مقابل مجلس؛ جمعی از فعالین کارگری و رانندگان شرکت واحد به همراه تعدادی از دانشجویان در نزدیک مجلس اقدام به تجمع اعتراضی کردند. اما پلیس و نیروی انتظامی به تجمع کنندگان اجازه نداد تا به مجلس نزدیک شوند

جنبش دانشجویی پیشقراول جنبش دموکراتیک در ایران است

در بر همان پاشنه می چرخد! پس از يك دهه هنوز مشکل دانشجویان ستاره دار و اساتید اخراجی ادامه دارد

سلیمی رئیس دانشگاه علامه که مهمترین تشکل صنفی دانشجویی این دانشگاه را منحل و اجازه تحصیل دانشجویان ستاره دار را نداد، به عنوان گزینه وزارت علوم مطرح شده است! مهدیه گلرو اظهارات سلیمی رییس دانشگاه علامه در خصوص ادعای صدور دستور برای بازگشت دانشجویان ستاره دار را تکذیب کرد. وی دانشجو محروم از تحصیل از جمله دانشجویانی علامه است که پس از تغییر دولت و رییس دانشگاه زمزمه های برگشتش به دانشگاه شنیده شد. او در این مورد می گوید: سال ۹۲ همه بسیج شدند تا خرابه های علامه آباد شود. امروز اما متأسفانه ایشان در مصاحبه های همی ناتوانایی ها و کاستی های خود را کتمان کرده و شرایط را خوب جلوه داده است. بسیاری از اساتید اخراج شده هنوز به دانشگاه بازنگشته اند. اساتیدی از جمله ابراهیم توفیق، پرویز پیران، نمکدوست، شهلا اعزازی و...». او در ادامه صحبت هایش در مورد مصاحبه های سلیمی با ایسنا که مدعی شده تمامی دانشجویان محروم از تحصیل به دانشگاه برگشته اند، می گوید: «با وجود نامه های مکتوب جناب آقای توفیقی و فرجی دانا مبنی بر بازگشت من به دانشگاه ایشان بنا بر مصالح و سلیقه شخصی به دستورات عمل نکرده و از دستور وزارت علوم سرپیچی کرده است. مشکل بنده در وزارت علوم دو بار حل شده و دستور کتبی برای حل مساله به دانشگاه داده شده که شخص آقای سلیمی بی توجهی کرده اند و حتی با وجود مراجعه ای بنده به دانشگاه بر اساس گفته حراست دانشگاه طبق دستور ایشان مانع ورود بنده به دانشگاه برای پیگیری نامه شدند و گفتند آقای سلیمی دستور داده اند شما ممنوع الورد هستید. دستور ممنوع الوردی را که اولین بار صدرالدین شریعتی خرداد ۸۶ به من داد و سلیمی راه او را ادامه می دهد».



نامه سعید شیرزاد دانشجوی زندانی از وضعیت زندان رجایی شهر

به صلیب صدا مصلوبم ای دوست تو گمان میری مغلوبم ای دوست!!

شرف نفس من اگر شد قفس من به سکوت تن ندادم تا نمیرم بی کفن...

۳۹ روز از هجوم گارد زندان گوهردشت به سالن ۱۲ گذشت... هجومی وحشتناک تر از

۲۸ فروردین... در یکشنبه ی سیاه، ۸ مرداد ۹۶ با حضور رییس زندان و رییس حفاظت و رئیس

بازرسی و نیز حضور رئیس سازمان زندان ها، زندانیان سیاسی، امنیتی و عقیدتی با لباس خواب به سالن ۱۰ منتقل شدند و در پی اعتصاب جمعی این زندانیان، سه روز بعد، چهارشنبه ی سیاه دیگری در تاریخ ثبت گردید. وقتی گارد سیاه پوش ویژه اعدام ۱۱ زندانی را با دست بند قپانی و چشم بند به انفرادی منتقل کردند و ساعت ها همانگونه در انفرادی نگه داشتند و این انفرادی ۱۳ روز به طول انجامید. در پی این انتقال، اموال شخصی زندانیان مصادره و تخریب گردید و ۳۹ روز است که دارایی این زندانیان دو پتوی سربازی می باشد. سخن از گلایه ها نیست که پس از چهارشنبه سیاه، تعدادی از زندانیان جلوی رئیس زندان سر خم کرده بودند که منتقل شدگان به انفرادی، نگذاشتند آنها غذا بخورند. سخن از مفت خوران فرصت طلبی نیست که با دیدن گارد، خود را خراب کردند و در غیبت انفرادی رفتگان، به هم بندیشان پشت کردند و سکوت پیشه کردند... آن هم با این شرایط سالنی که بعد از ۳۹ روز هیچگونه تهویه ی هوایی ندارد و امکانات بهداشتی آن صفر مطلق است و حتی یک روز آب گرم نداشته است و وضعیت آن اسفناک تر از هر تصویری است. به گونه ای که با تصور آن، آشوبینس و گوانتانامو رو سفید می شود... سخن از گرسنگی اجباری ۳ روز نشده ی آنانی نیست که کاغذ در جیب رییس زندان گذاشته و خود و هم ردیفانشان را تبرئه کردند. سخن از بستن آب آشامیدنی بر زندانیان هم نیست. سخن از این است که اگر ذره ای کمتر از بند انگشت، غیرت و شرافت عادل نعیمی، محمد امیر خیزی، محمد نظری و رضا اکبری منفرد در دیگر زندانیان نهفته بود بی شک زندان و زندانیان خرد و خاکستر می شد. سخن از تنها ماندن اعتصابی ها پس از گذشت بیش از یک ماه نیست... باز هم سخن از گلایه نیست، آن هم از همانان که در پی جاودانه شدن رفیق همیشه سرخ توده (مرگ شاهرخ زمانی)، شادی و پایکوبی کردند... در ۳۹مین روز اعتصاب غذا، سخن خواهش که نه، بلکه التماس از شما یاوران همیشه مومن ناشناخته است؛ التماس کمک کردن برای محمد نظری که در ۲۴ سال زندانش، پدر و مادر و برادری برایش نمانده است. او که در ۳۹مین روز اعتصابش تنها خواسته اش اعمال ماده ۱۰ آئین دادرسی است. ماده ای که بر مبنای آن، او و دیگر محکومین محاربه ای از اردیبهشت ۹۲ آزاد می شدند. ماده قانونی که اگر اعمال شود فقط از این سالن ۱۶ نفر جایشان هر جایی است غیر از زندان. محمد نظری را فراموش نکنید، که امیدمان برای آزادی اش شما یاران ناشناخته هستید. فراموش نکنید که در میان اعتصابیون اولویت مطلق است و بس... یا مرگ یا پیروزی... نامه سعید شیرزاد دانشجوی زندانی رجایی شهر (گوهردشت)



شریف باجور ضمن اعتصاب غذا با دوچرخه به سمت تهران حرکت کرد

این فعال مدنی با شعار «عدم خشونت راه پیروزی انسانیت است» فعالیت خود را آغاز کرده است. این حرکت اعتراضی شریف باجور با اهداف زیر صورت گرفته است:

۱. دفاع از وضعیت کولبران در کردستان، اعتراض نسبت به کشتار آن‌ها توسط نیروهای امنیتی و جلوگیری از تکرار این کشتارها ۲. حمایت از فعال مدنی رضا شهابی، کمک به شنیده شدن صدای او و همچنین تقدیر از شخصیت صلح‌طلب آتنا دائمی و ارج نهادن به مبارزه او بر علیه کشتار انسان‌های بی‌گناه ۳. حمایت از قربانیان خشونت در میانمار و محکوم کردن این جنایت بشری و ۴. دعوت از عموم مردم جامعه برای فعالیت‌های مدنی در روزی مشترک به نام «روز مهربانی» در پنجشنبه آخر هر هفته به منظور تلاش برای بنیان نهادن جامعه‌ای سالم و خوشبخت. این فعال مدنی و محیط‌زیستی در بیانیه‌ای که منتشر کرده، بر مبنای شعار «عدم خشونت راه پیروزی انسانیت است»، از تمامی فعالین مدنی که برای جامعه‌ای عاری از خشونت تلاش و مبارزه می‌کنند، خواهان انسجام، همدلی و اتحاد در جهت پیشرفت جامعه مدنی و برقراری صلح و مهربانی شده است. شریف باجور عضو انجمن محیط زیستی «سبز چیا» در مریوان می‌باشد که تاکنون فعالیت‌های گسترده‌ای را از وی در زمینه‌های حفظ فرهنگ و محیط‌زیست شاهد بوده‌ایم.

بازداشت دستکم پنج فعال فرهنگی معترض به کشتار کولبران از سوی نیروهای امنیتی

طی روزهای اخیر پنج تن از فعالین فرهنگی در کرمانشاه در پی اعتراضات صورت گرفته نسبت به کشتار کولبران، به دستور نیروهای انتظامی-امنیتی بازداشت شدند. شهریار رستمی «نویسنده و مترجم»، فرزاد سه‌فهره «شاعر»، فؤاد مظفری «نویسنده، منتقد ادبی»، ارسلان عباسی «موسیقی‌دان و نوازنده تنبور» و شهریار طهماسبی «فعال فرهنگی» از طرف نیروهای انتظامی بازداشت شدند. شبکه حقوق بشر کردستان نوشته است که این پنج فعال فرهنگی تحویل اطلاعات سپاه داده شده‌اند. از وضعیت و محل بازداشت این افراد تاکنون اطلاعی دقیق به دست نیامده است. پیش‌تر تعدادی از فعالین مدنی و فرهنگی با انتشار فراخوانی اعلام کرده بودند روز پنجشنبه ۱۶ شهریور ماه به نشانه اعتراض به کشتار کولبران در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع را برگزار خواهند کرد. در پی اعتراضات گسترده در غرب کشور طی روزهای گذشته مجموعاً در شهرهای بانه، سنندج و کرمانشاه حداقل ۲۸ شهروند و فعال مدنی معترض به کشتار کولبران توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شده‌اند.

بازداشت یکی از فعالان عرفان حلقه در شهر کرج

امیرحسین میرخلیلی»، از مربیان عرفان حلقه، صبح روز جاری توسط مأموران امنیتی در شهر کرج بازداشت شد. از علت این بازداشت و محل نگهداری این شاگرد محمدعلی طاهری اطلاعی در دست نیست. خبرگزاری تسنیم مدعی شد وی «یکی از فعالان رسانه‌ای فرقه عرفان حلقه و از افراد موثر در راهاندازی و مدیریت کمپین الف مثل استاد» است. این شاگرد محمدعلی طاهری که پیش‌تر در قالب کمپین «کوچ به زندان اوین»، به همراه ۳۳ تن دیگر از اعضای این کمپین، خود را به زندان اوین تحویل داده بود، روز دوشنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۵ در دادرسی قدس تهران، به تهم «اخلال در نظم عمومی» و «اقدام علیه امنیتی ملی» به دو سال حبس تعلیقی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود. بازداشت اعضای فعال عرفان حلقه در تهران و شهرستان‌ها، در حالی صورت می‌گیرد که روز گذشته یکی از منابع خبری از پروژه سپاه پاسداران برای بازداشت فعالان عرفان حلقه و اخذ اعتراف اجباری علیه محمدعلی طاهری خبر داده بود. این منبع مطلع در گفتگو با خبرنگار عرفان حلقه تاکید کرده بود: «ما اطلاعات دقیقی داریم که سپاه پروژه تولید فیلمی تبلیغاتی را آغاز نموده که در آن شاگردان محمدعلی طاهری علیه او شهادت میدهند و بر انحرافی بودن عرفان حلقه صحه می‌گذارند. به نظر می‌رسد دستگاه امنیتی مقدمات اجرای حکم اعدام محمدعلی طاهری را به این وسیله فراهم می‌کند.»



۱۴ شهریور سالروز وفات سید محمود طالقانی



هرچه مسلمانان از زیر بار وظایف شانه خالی کردند، میدان دعا وسعت پیدا کرد! ... ولی نه فقیری غنی می‌شود و نه برهنه‌ای پوشیده. این چه دعایی ست که اجابت نمی‌شود؟! ... وقتی که از خدا عزت و احترام می‌خواهیم، نباید انتظار داشته باشیم که خداوند آن را از آسمان برای مان فرو بریزد! ... یاهو یاهوی خانقاه و سینه زدن و حسین حسین گفتن، درد اجتماع را دوا نمی‌کند... به جای اینکه بر فرق و تن خود زنجیر بزنید، زنجیرها را بر فرق بزنیدها و معاویه‌ها که مصدر امور هستند بزنید و نه بر فرق خودتان. حسین بن علی قیام نکرد که تو برای او گریه کنی! آیا مبارزه‌ی حسین برای تو، درسی آموزنده نیست؟

انصراف نرگس محمدی از پیگیری درمان بیماری‌اش به دلیل برخورد مأموران



نرگس محمدی در پی برخوردهای سختگیرانه و توهین‌آمیز مأموران زندان به هنگام اعزام به مطب پزشکی در دهم مرداد ماه ۱۳۹۶، در نامه‌ای به دادیار زندان اوین اعلام کرد که تا زمان اصلاح رفتار مأموران از پیگیری درمانش انصراف می‌دهد. نرگس محمدی این تصمیم را پس از آن گرفته است که نام‌نگاری‌ها و اعتراض‌هایش بی‌پاسخ مانده است؛ به‌خصوص که مأموران زندان اعلام کرده‌اند که براساس دستور مقامات مافوق عمل می‌کنند. به اعتقاد نزدیکان نرگس محمدی، این بدرفتاری‌ها و

فشارهای روانی در مورد این زندانی، امر جدیدی نبوده و نرگس محمدی طی دو سال و نیم گذشته، بارها از برخوردهای توهین‌آمیز مأموران به دادستان شکایت کرده که مورد رسیدگی قرار نگرفته. به عنوان مثال او در مدت ۱۸ روز بستری شدنش در بیمارستان ایرانمهر در سال ۹۴ و ۳ روز بستری شدنش در بیمارستان مادران در خردادماه سال جاری نه تنها اجازه ملاقات با نزدیکانش را نداشته بلکه حتی اجازه پاسخ دادن به تلفن مادر و خواهرش را هم به او نداده‌اند. یا با وجود درخواست‌های مکرر مبنی بر ضرورت عدم حضور مأموران زندان در اتاق معاینه و حتی عمل جراحی، مسئولان با الزام حضور مأموران در اتاق عمل، مانع از انجام جراحی نرگس محمدی در دو نوبت شدند. نرگس محمدی در سال ۱۳۸۹ به شش سال حبس به اتهام‌های تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر محکوم شد اما به دلیل بیماری مغز و اعصاب در خردادماه سال ۱۳۹۲ از زندان به بیمارستان منتقل شد و پس از آن به دلیل شرایط جسمی که قادر به تحمل زندان نبود با قرار وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. با این حال او مجدداً پس از ملاقاتش با خانم کاترین اشتون، مدیر مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا در اسفند ۱۳۹۲ مورد هجوم گروه‌های افراطی در رسانه‌ها قرار گرفت و پس از آن بارها برای بازجویی به وزارت اطلاعات احضار شد؛ پس از مدتی، مأموران او را در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ بدون ذکر دلیل مشخصی بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند، بعدتر به او اعلام شد که برای اجرای حکم پرونده قبلیش (شش سال حبس) به زندان بازگشته است. خانم محمدی به اتهامات تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی و اتهام تشکیل و اداره گروه لگام (لغو گام به گام اعدام) در مهرماه ۱۳۹۵ به ۱۶ سال حبس محکوم شد که ۱۰ سال از این حکم بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اجرا می‌شود. هنوز به شکایت او و وکلایش برای این حکم سنگین به دیوان عالی کشور پاسخی داده نشده است.

عبدالفتاح سلطانی در آستانه هفتمین سال حبس در اوین به سر می‌برد



عبدالفتاح سلطانی، وکیل محبوس در زندان اوین، در آستانه هفتمین سال حبس خود از حق آزادی مشروط محروم مانده است. وی که از شهریورماه سال ۱۳۹۰ در زندان اوین دوران محکومیت خود را سپری می‌کند، علیرغم واجد شرایط بودن برای استفاده از آزادی مشروط، به دلیل مخالفت مقامات قضایی از این حق قانونی محروم است. این در حالی است که وی از بیماری‌های گوارشی، دیسک کمر، نوسان فشارخون و مشکلات قلبی رنج می‌برد و شرایط زندان سلامت وی را به خطر می‌اندازد. همسر عبدالفتاح سلطانی، معصومه دهقان، در دل‌نوشته‌ای که در صفحه فیس‌بوک خود منتشر نموده است، می‌گوید: بسیار دلگیرم از اینکه همه‌ی آرزوهایم بر زمین ماند. ۱۷ شهریور ۵۷ با آرمان‌ها و رویاهایم به خیابان می‌رفتم. در انتظار روزی که فعال سیاسی بتواند آزاده حرف بزند. در انتظار جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی کتاب زهرا رهنورد را دست به دست می‌چرخانیم. در انتظار آزادی بیان و مطبوعات سر از پا نمی‌شناختیم. اکنون به ۱۹ شهریور نزدیک می‌شویم. در کمال حیرت و ناباوری ۷ سال زندان همسر عبدالفتاح سلطانی را باور می‌کنم. مگر می‌شود به خاطر وکالت پرونده‌های عقیدتی و مطبوعاتی و سیاسی به ۱۰ سال زندان محکوم شوی؟! مگر می‌شود به خاطر تعهد و کار قانونی ۷ سال بدون مرخصی معمول در زندان بمانی!!!



نامگذاری نمادین یک پارک شهری در نورنبرگ به نام عبدالفتاح سلطانی

همسرم برایت سلامتی و صبوری آرزو می‌کنم باشد که سالم (نه مثل علیرضا رجایی و امید کوکبی) به خانه بازگردی! شایان ذکر است؛ این وکیل دادگستری در دادگاه بدوی به ۱۸ سال زندان و بیست سال محرومیت از وکالت محکوم شد که در دادگاه تجدیدنظر، به ۱۳ سال زندان کاهش یافت. در نهایت، حکم آقای سلطانی در پی اعمال ماده ۱۳۴، به ده سال زندان و دو سال محرومیت از وکالت. مشارکت در تأسیس کانون مدافعان حقوق بشر و مصاحبه با رسانه‌ها درباره پرونده موکلانش، از جمله اتهام‌های آقای سلطانی بوده است.

اهل سنت و خانم‌ها جایی در کابینه ندارند!

امام جمعه اهل سنت زاهدان: در این شک ندارم که حقوق زنان در جامعه ما خیلی ضایع شده است و دلیل آن فاصله موجود با قرآن عظیم‌الشان و احکام است. در قرآن آمده است که همان اندازه که مردان بر زنان حق دارند به همان اندازه و نه کم‌بیش، زنان بر مردان حق دارند و این حقوق متساوی و برابر است. بنابراین ما باید بیشتر روی آن موضوع کار کنیم که حقوق رعایت نمی‌شود. انتظار بود که اهل سنت در کابینه حضور پیدا کنند که صورت نگرفت ولی امید است که در معاونان وزرا، استانداران و سفرا اهل سنت به کار گرفته شوند. از داخل وزارتخانه‌های مختلف شنیدیم که وقتی وزیر می‌خواست در معاونت‌ها از اهل سنت استفاده کند، گروهی تماس می‌گرفتند و تهدید می‌کردند. صحبت‌هایی که با تیم آقای روحانی بوده این قول را دادند که تا هر اندازه که بتوانند سعی می‌کنند مشکلات اهل سنت را حل کنند و خواستن توانستن است. بخش بزرگی از ناهنجاری و مشکلات استان ما به فقر فرهنگی برمی‌گردد، همان‌طور که فقر اقتصادی هم این‌جا وجود دارد. دو مقوله‌ای که زاید تبعیض هستند. اهل سنت در سطح کشور بر این موضوع اجماع دارند که حق و حقوق آنها باید از طریق قانون و گفت‌وگو پیگیری شود، اهل سنت همه با خشونت مخالف هستند.



نظرات حسین احمدی نیاز وکیل پرونده‌های مرتبط با وضعیت کولبران

در بخشی از این گزارش خبری احمدینیاز که وکیل بسیاری از پرونده‌های کولبران است با اظهار اینکه؛ کولبری فقط شامل مردم بانه نمی‌شود بلکه اقتصاد شهرهای دیگر کردستان مانند مریوان، سردشت و پیران دشت نیز وابسته به کولبری است و حتی در آذربایجان غربی و کرمانشاه نیز کولبری وجود دارد. در واقع صدها معبر کولبران در شهرهای مختلف ایران وجود دارد که هنوز آمار آن معابر و تعداد کولبران اعلام نشده

است. من به عنوان کسی که وکالت بسیاری از کولبران را به عهده دارم میدانم در میان کولبران پیرمرد و کودک زیر ۱۳ سال هم وجود دارد. به گفته این وکیل دادگستری؛ بسیاری از کولبران به علت ماهیت کارشان که حمل کالاهای سنگین در مسافت طولانی است، مانند حمل یخچال و گاز و تلویزیون... خیلی سریع خانه نشین و از کار افتاده و دچار بیماری‌های غیرقابل درمان میشوند که بیمه هم ندارند. اینها جدا از کسانی هستند که در راه حمل وسایل در دره می‌افتند و یا با تیراندازی ماموران مجروح یا کشته میشوند. در واقع هیچ آماری از اینها نیست. سن قانونی کار در ایران از ۱۸ سالگی شروع میشود و بر اساس ماده ۸۴ قانون کار ایران، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام در نظر گرفته شده چرا که ماهیت برخی از مشاغل برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیانآور است. بنابراین حتی کار کودک کولبر بالای ۱۳ سال و تا قبل از ۱۸ سال نیز جرم و غیرقانونی است. قادر بهرامی ۴۵ ساله و حیدر فرجی ۲۱ ساله روز سیزدهم شهریور، در ارتفاعات مرزی شهرستان بانه با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی کشته شدند. پس از این اتفاق ده‌ها تن از ساکنان شهر «بانه» در استان کردستان، در اعتراض به قتل دو کولبر با تیراندازی هنگ مرزی، روز چهاردهم شهریور در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پایان دادن به قتل کولبران شدند. در پی آن فرماندار بانه روز ۲۰ شهریور ماه اظهاراتی درباره پرداخت حقوق ماهیانه و بیمه به کولبران بانه کرد.

«کولبر» به افرادی اطلاق می‌شود که به دلیل فقدان اشتغال و مشکلات گسترده اقتصادی در مناطق مرزی از روی ناچاری و با دریافت دستمزدی ناچیز اقدام به حمل کالا از ایران به عراق و برعکس از نقاط «غیررسمی گمرکی» می‌کنند. کالاهایی که از ایران به آن طرف مرزها توسط کولبران منتقل می‌شود انواع سوخت چون گالن‌های بنزین و گازوئیل، خشکبار و برخی تولیدات داخلی است اما آنچه کولبران به ایران منتقل می‌کنند بیشتر «لوازم خانگی» از جمله تلویزیون و یخچال و برخی کالاهای خارجی دیگر است. آمار کامل و دقیقی از کولبران توسط نهادهای مسئول اعلام نشده است اما به گفته رسول خضری نماینده سردشت در مجلس شورای اسلامی «در منطقه سردشت و پیرانشهر ۸ تا ۱۰ هزار نفر برای تأمین معاش خود به‌عنوان کولبر کار می‌کنند.» سه استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی در نوار مرزی ایران با عراق و ترکیه محل اصلی فعالیت کولبرهاست. کولبری یکی از خطرناکترین شغل‌ها به حساب می‌آید چون از نظر دولت انتقال کالاها توسط کولبران قاچاق محسوب می‌شود اما کولبران نه صاحب کالا هستند، و نه در سود واردات یا صادرات آن شریکند. آنها کارگران روزمزدی هستند که تنها به ازای دستمزدی که می‌گیرند اقدام به حمل کالا بر روی دوش خود می‌کنند.

عدم استفاده از اقوام در کابینه به سطح استانداری‌ها رسید!

محمد آزاد جلالی‌زاده از فعالان سیاسی اهل سنت سندج در صفحه توئیترش نوشت: دولت گفته بود برای استفاده از اهل سنت و اقوام در کابینه معذوریت داریم، گویا این معذوریت به سطح استانداری هم صعود کرده است!

گوهر عشقی، خواهان پایان ظلم علیه اهل سنت و دگر اندیشان شد

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی با انتشار نامه‌ی سرگشاده خواستار پایان تبعیض و ظلم و ستم در قبال برخی اقوام و اقلیت‌های مذهبی از جمله کردها و اهل سنت ایران شده است. خانم عشقی در نامه مذکور از مسئولان نظام تهران، از جمله علی خامنه‌ای خواسته که تا دیر نشده به ظلم و ستمی که به برخی اقوام و افراد می‌شود رسیدگی کنند. ایشان همچنین همچنین خطاب به مسئولان، نوشته به جای سوریه و لبنان، اندک نظری بر مردم خود بیاندازید که فردا دیرتر از امروزتان خواهد شد. خانم عشقی در نامه خود همچنین به ظلمی اشاره کرده که خانواده سعید زینالی دانشجویی که در جریان وقایع ۱۸ تیرماه ۷۸ بازداشت شد و هرگز به خانه بازنگشت، در این سال‌ها متحمل شده‌اند. در این نامه آمده که «خواهرانه رهبری را توجه می‌دهم که تا دیرتر نشده علیرضا رجایی‌های دیگر را از زندان‌ها رها کنید چون دیگر آسمان و زمین نیز از ظلم شما به صدا آمده‌اند.» گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی کارگر و بلاگر نویسی است که ۵ سال پیش در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۱ در بازداشتگاه پلیس قتل‌گشته شد.

در روستاهایی که يك نفر شیعه وجود ندارد، حسینیه ساخته شده است!

محمد رضا عالی پیام شاعر و کارمند سابق وزارت خارجه ایران (این شاعر طنزپرداز منتقد، بارها به دلیل سرودن اشعار انتقادی طنز آمیز بازداشت و حبس شده است) می‌گوید در حالیکه حکومت تهران به اهل سنت در پایتخت مجوز ساخت مسجد را نمی‌دهد اما در روستاهای کردستان که یک نفر شیعه نیز وجود ندارد، حسینیه ساخته شده است. چهل سال است که نتوانسته‌ام پاسخ این سوال را پیدا کنم که چرا اهل سنت با این همه جمعیت نباید در تهران مسجد داشته باشند؟ در تمامی شهرهای منطقه از جمله کشورهای عربی و همچنین کشورهای نظیر هند و پاکستان که اهل سنت در اکثریت هستند، شیعیان مسجد خاص خود را دارند. چرا ما از این موضوع نگران هستیم و اساساً دلیل این نگرانی چیست؟

تقسیم‌بندی‌های قومی و طایفه‌ای به ضرر جامعه ماست

مولانا عبدالحمید امام‌جمعه اهل سنت زاهدان گفتند: در دیدارهایی که هفته گذشته با برخی از وزیران محترم داشتم درخواست استفاده از شایستگان اهل سنت در پست‌هایی از قبیل: معاونین وزیر، استاندار و سایر مدیریتهای مطرح شد. تمام مردم استان سیستان و بلوچستان از محرومیت‌ها رنج می‌برند، اما بعضی‌ها می‌خواهند مردم ما را در این استان تقسیم کنند؛ اصطلاحاتی از قبیل «سرحدی»، «مکرانی»، «سربازی»، «ایرانشهری»، «سیستانی» و «زاهدانی» را در بین مردم منتشر می‌کنند و یا اینکه دنبال برجسته کردن تقسیمات طایفه‌ای هستند. طرح مسائل قومی و طایفه‌ای به نفع جامعه ما نیست و علماً باید با این مسائل مبارزه کنند. تقسیم‌بندی‌های قومی و منطقه‌ای مردم ما را بی‌ارزش می‌کند. اگر ما با هم متحد باشیم ارزش پیدا می‌کنیم. اگر اقوام و طوایف اهل سنت خودشان را با جامعه اهل سنت یکی بدانند به جمعیتی ۲۰ میلیونی وصل می‌شوند و اگر خودشان را با ملت ایران یکی بدانند به جمعیت ۸۰ میلیونی وصل می‌شوند، اما خود را به یک قوم یا طایفه منحصر دانستن سبب محدودیت و بی‌ارزشی می‌شود.

محرومیت محمد صابر ملک رئیس از تماس با خانواده به دلیل اعتصاب



محمد صابر ملک رئیس زندانی سیاسی بلوچ که هشتمین سال حکم زندان خود را در زندان مرکزی اردبیل سپری می‌کند پس از آنکه در اواخر مردادماه سال جاری پس از ثبت نامه‌ای دست به اعتصاب غذای یک هفته‌ای در حمایت و همبستگی با زندانیان اعتصابی زندان رجایی شهر کرج زد از حق تماس با خانواده محروم شده است. این زندانی سیاسی، که در جوانی بازداشت شده، در هشتمین سال حبس نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی رئیس‌جمهور نوشت؛ روز هشتم دی ماه به مدت ۱۴ ساعت در هوای

سرد اردبیل با دستبند و پابند در حیاط این زندان به میله بسته شده است، از وضعیت بحرانی خود ضمن تحمل حبس در تبعید شکایت و از اعتصاب غذای اعتراضی خود خبر داده بود. محمد صابر ملک رئیس زندانی سیاسی بلوچ که حکم محکومیت حبس ۱۵ ساله خود را بصورت تبعیدی در زندان اردبیل سپری می‌کرد، فروردین ماه سال جاری از این زندان به زندان اوین منتقل شد و پس از سه ماه مورخ ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶، از زندان اوین به زندان مرکزی اردبیل بازگردانده شد. بهانه انتقال محمد صابر ملک رئیس به زندان اوین، انجام رسیدگی‌های پزشکی جهت درمان بیماری‌های وی عنوان شده است. محمد صابر ملک رئیس سال گذشته بعد از یک اعتصاب غذای ۲۰ روزه، در دو رنجامه خطاب به خانم اسما جهانگیر با عناوین «از تحت شکنجه‌ای به نام - معجزه - تا تهدید به اعدام» و «شبها تا صبح بازجویی همراه با شکنجه می‌شدم» از شرح مظالم بر خود رفته گفته بود و از این کارشناس سازمان ملل خواستار رسیدگی به وضعیت خود و سایر زندانیان عقیدتی در ایران شده بود.

دستگیری راحله راحمی پور به اتهام پیگیری فرزند مفقود شده برادر



راحله راحمی پور فعال حقوق بشر روز گذشته ۱۹ شهریورماه ۹۶ توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. به گزارش کانون حقوق بشری نه به زندان نه به اعدام؛ بر اساس خبرهای منتشر شده روز گذشته ۱۹ شهریور ماه؛ خانم راحله راحمی پور از منزل شخصی بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد. حسین راحمی پور برادر خانم راحمی پور در دهه شصت در زندان اوین اعدام شد. فرزند وی، گلرو وی، گلرو در زندان متولد و به بهانه چک پزشکی از مادرش گرفته شد. به مادر کودک اعلام شد که گلرو فوت کرده است. اما هیچگاه جنازه کودک را به مادر نشان ندادند. خانم

راحمی بیش از شصت سال سن دارد و به انواع بیماری ها مبتلاست. بر اساس گزارشها تمام لوازم ارتباطی مثل موبایل و لپ تاپ و نوشته ها و کاغذ ها و کتب او مصادره شده است. خانم راحله راحمی پور از بازماندگان خانواده های خاوران و جان باختگان راه آزادی در دهه شصت است. وی پیگیر قتل برادرش در زندان های ایران و ناپدید شدن برادر زاده اش بود. خانم راحمی پور در بهمن ماه سال گذشته به دلیل پیگیری و جستجوی سرنوشت برادر زاده اش گلرو توسط دادگاه انقلاب تهران به دو سال زندان محکوم شد.



ازدواج کودکان به روایت یک داستان واقعی

ده ساله بودم که کتابیون با پدر بزرگم ازدواج کرد. عاشق این بودم که بروم روستایمان و با کتابیون بازی کنم. آخر کتابیون همه اش سه سال از من بزرگتر بود. اوایل نمی فهمیدم چی به چیست. هر روز صبح می رفتم در اتاق کتا را می زدم و می گفتم کتا بیا بریم دیگه! همه کتابیون را کتا صدا می زدند. پدر بزرگم می گفت: کتا باید غذا درست کنه نمیداد. و من از لای در اتاق می دیدم که کتا یواشکی چشمش به در است و دارد زیر گاز پیکنیک را کم می کند که تخم مرغ صبحانه پدر بزرگم نسوزد. بعد از ساعتی کتا می آمد. با هم می دویدیم و از راهلهای که به پشت بام راه داشت پیر پیر راه می انداختیم. کتا دوست داشت که از بالای پله های بزرگ بپرد روی پله های پایینی و این طوری خودش را شجاع و قوی نشان بدهد. بعد می رفتیم روی پشت بام و از آنجا خانه ی خاله ام را سرک می کشیدیم و به سکنه دختر خاله ام علامت می دادیم که بیا زیر درخت کنار. وای از آن لحظه ای که خاله ام ما را روی پشت بام می دید. فریادش به آسمان می رفت که: کتا خانم زن گنده ای شدی رو پشت بوم دنبال بازی ای؟ و من با خودم می گفتم کتا که فقط سه سال از من بزرگتر است چرا نباید بازی کند! بعد دوباره پله ها را ابزار بازی خود می کردیم و با پریدن و سر و صدا می آمدیم توی طارمه خانه. کتا می رفت از توی اتاق خودش و پدر بزرگم دوتا کشک می آورد و این می شد که من و کتا ساعتی مشغول این دوتا کشک می شدیم در طارمه خانه. پدر بزرگم به کتا می گفت جای تو. توی همین طارمه بازی کنین. و من نمی فهمیدم که کتا چرا به پدر بزرگ من نمی گفت بابا بزرگ و می گفت آقا!

با کتا می رفتیم زیر درخت توت وسط حیاط و از مشک های آبی که زیر آن بود لیوانی آب خنک می خوردیم و همان جا می نشستیم و تصمیم می گرفتیم بازی بعدی مان چه باشد. هنوز تصمیم مان قطعی نشده بود که زن دایه ام می آمد و با خنده و مسخره می گفت: بیا! زن ... فلانی را ببین داره خاله بازی می کنه! بلند شو برو ناهار شوهرت را درست کن! بعد نمی دانم چرا اسم روستای زادگاه کتا را می آورد و می گفت اینها همه شان به نفهمی و سادملوچی معروف اند. کتا خجالت زده گوشه ی مینارش (روستای محلی زنان بختیاری) را جلوی دهانش می گرفت و با سری کچ به سمت اتاقشان روانه می شد. من به خاطر ناراحتی کتا و به هم خوردن بازی مان، بغضی پر از خشم وجودم را می گرفت که چرا هیچ کس نمی داند من و کتا با خیال راحت بازی کنیم؟ چرا همه به کار کتا کار دارند؟ زن دایه که متوجه صورت خشمگین من می شد می گفت: دختر شهری بیا غذات رو بخور وقت ناهار. من هم توی دلم می گفتم: لازم نکرده به من ناهار بدهی، بازی مان را به هم نریز. حالا که به آن روزها فکر می کنم می فهمم چرا کتا عاشق بازی بود. چرا از پدر بزرگم می ترسید و از او فراری بود حالا می فهمم که چرا کتا ... کتا دختر سیزده ساله ای که به عقد دائم پدر بزرگ ۷۸ ساله من در آمده بود، آن روزها فقط یک کودک بود. کودکی که نیاز به بازی و پیر پیر داشت، نیاز به دویدن و سرک کشیدن در کوه و دشت داشت، کودکی که کودکی اش زیر سنگینی تن پدر بزرگ هفتاد و هشت ساله ام نابود شد.

عدالت در پرداختی های پرستاری مفهومی ندارد

علیرضا گچ کوبان عضو شورای عالی نظام پرستاری با اشاره به بی عدالتی در پرداخت ها در پرستاری گفت: عدالت در پرداخت، مطلبی است که در پرستاری تعریف نشده، اعتراضات پرستاری در این سالها به دلیل تشدید این بی عدالتی بوده است. وی اظهار داشت: از دهه ۷۰ که روش پرداخت فی فور سرویس اجرا شده و پرداخت ها فقط براساس کار کرد پزشکان محاسبه و پرداخت شد. پرداخت به پرسنل غیر پزشک در کادر درمان از عدالت دور مانده و بیشتر به صدقه شبهات دارد. عضو شورای عالی نظام پرستاری افزود: از سال ۹۳ و با اجرای طرح تحول سلامت و گام سوم این طرح و افزایش تعرفه ها و عدم اجرای قانون تعرفه گذاری پرستاری این اختلاف و بی عدالتی تشدید شد و با پرداخت کارانه های نجومی اساتید و کسری بودجه علاوه بر کارانه، اضافه کاری های اجباری پرسنل هم درگیر این بی عدالتی شد به طوری که در حال حاضر نه تنها از صدقه کارانه برای پرسنل خبری نیست بلکه اضافه کار، حق لباس و حق مسکن و بقیه مزایای معمول سایر ادارات هم در دانشگاه ها با تاخیر های طولانی مواجه شده است. وی یادآور شد: با توجه به اجرای طرح تحول سلامت، فشار کاری به پرسنل افزایش یافته و این تاخیر در دادن مزایا، نوعی بیگاری و برده داری نوین را در بین پرسنل کادر درمان رواج داده است. گچ کوبان با بیان این که پرداختی در ستاد دانشگاه ها از پرداختی مراکز درمانی بهتر و بروزتر است تصریح کرد: پرداخت کارانه ها، اضافه کار (با وجود صبح کار ثابت بودن و تعطیلی پنجشنبه و روزهای تعطیل) به روز است در حالی که مراکز که تولید کنند درآمد هستند و تمام ایام سال و اوقات روز در حال خدمت رسانی می باشند با تاخیر بالای ۶ ماه و حتی در برخی موارد گاهی بالای یکسال و با تعدیل، این پرداخت صورت می گیرد.

بی عدالتی در پرداخت ها در نظام سلامت آشکار است

مجید برفی رئیس نظام پرستاری رامسر گفت: عدالت در پرداخت ها در نظام سلامت وجود ندارد و این فاصله طبقاتی و بی عدالتی تنها در پرستاری نیست بلکه در تمامی گروه های بهداشت و درمان به جز پزشکی مشاهده می شود. با اجرای طرح تحول سلامت بیشترین کار بر دوش پرستاران است اما متأسفانه در اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که حق مسلم آنان است به نوعی شانه خالی می کنند و هیچ اراده ای برای اجرای این قانون که ۱۱ سال از تصویب آن می گذرد، وجود ندارد. وی اظهار داشت: در حال حاضر کلیه خدمات پزشکی (تشخیصی و درمانی) و برخی خدمات پیراپزشکی تعرفه مصوب و در حال اجرا در بیمارستان های دولتی، خصوصی و خیریه و تأمین اجتماعی دارند اما در مورد خدمات پرستاری تعرفه ای در بیمارستان برای بیماران محاسبه نمی شود و این در حالی است که بیش از صد و پنجاه خدمات بالینی در بیمارستان ها توسط پرستاران انجام می شود. رئیس نظام پرستاری رامسر ادامه داد: سیستم پزشک سالار موجود در وزارت بهداشت از اجرای این قانون به بهانه های واهی از جمله کمبود بودجه سر باز می زند اما دلیل اصلی عدم اجرای این قانون ایجاد فاصله طبقاتی بین پزشک و سایر اقشار بهداشت و درمان کشور است. وی در پایان افزود: در حال حاضر علاوه بر پرستاران سایر گروه های بهداشت و درمان از جمله بیهوشی و رادیولوژیست ها نیز به سبب کاهش تعرفه ها دست به اعتراض زده اند و از بی عدالتی در پرداخت ها گلایه مند هستند. اکنون تکنسین بیهوشی بصورت عملکردی با تاخیر ۱۰ ماه ۵۰۰ هزار تومان دریافت می کند و دکتر بیهوشی با همان تاخیر ۵۰ میلیون دریافتی دارد در حالی که بیشترین گاز بیهوشی و اینتوبه ها را تکنسین انجام می دهد و دکتر بیهوشی در این امر نظارت می کند.

قهرمان سازی و پدر معنوی شدن در پرستاری برای جامعه پرستاری نان و آب نمی شود

حمیدرضا عزیزی رئیس هیات مدیره نظام پرستاری بندرعباس گفت: ... در این شرایط بحران سازی، حاشیه سازی و گل آلود کردن آب بهترین بستری است که می تواند ناکارآمدی را پوشش دهد و از طرفی با تهدید، تخریب، ارباب و ایجاد جو خفقان اجازه نشر صحبت های منتقدان و مخالفان را نمی دهند. در حالی که این دوستان با خودی ها چنین تعاملی دارند بحث رایزنی، تفاهم و تعامل با نهادهای حاکمیتی و مراکز تصمیم ساز در نظام سلامت شاید توقع بی جایی باشد. متأسفانه در این دوره فعالیت های نظام پرستاری، افرادی با شعارهای زیبنده و دهن پر کن و قول عملی کردن آن ها در راس سازمان قرار گرفتند به عنوان مثال قول اجرای شش ماه قانون تعرفه گذاری پرستاری را دادند اما در واقع دیدند که بین شعار و عمل خیلی فاصله است، اما منافع شخصی و تضادهای موجود از طرفی و دلیل تراشی برای ناکامی و دست نیافتن به توفیقات و عده داده شده از طرفی دیگر سبب ایجاد چنین فضایی در فعالیت های دوستان شده است. سو تفاهم اعلام شده در داستان اخیر و بازی با وقت و احساسات پرستاران و تجمعات دانشجویی نمونه تضادهای موجود است.



به بهانه کمبود پرستار در کشور

در هنوز بر همان پاشنه می چرخد

مصاحبه اختصاصی حقوق معلم و کارگر با محمود بهشتی لنگرودی در رابطه با علت و عوامل بازداشت حقوق معلم و کارگر: بنا بر اخبار منتشر شده، شما جهت اجرای حکم به زندان احضار شده اید اگر ممکن است یک توضیحی در این زمینه ارائه نمایید؛ این احضار به خاطر کدام حکم شماس؟ بهشتی لنگرودی: سال ۹۴ به واسطه شکایت سپاه ثارالله بازداشت شدم و پس از گذراندن دوران بازجویی به بند عمومی منتقل گردیدم تا این که به دستور بازپرس پرونده، تعیین وثیقه شد و پس از تامین آن توسط خانواده، بنا بود که به طور موقت و تا صدور احکام بدوی و تجدید نظر آزاد باشم اما هم زمان پرونده ی مربوط به دو حکم مجموعاً به مدت ۹ سال قاضی صلواتی به جریان افتاد و مسوولان زندان مانع از آزادیم شدند. لازم به ذکر است که شاکی این پرونده وزارت اطلاعات بوده است. طی مدت بازداشت، اینجانب سه مرحله دست به اعتصاب غذا زدم که در نهایت با قول مساعد دادستانی برای حل مشکل پرونده و به دلیل وخامت وضعیت جسمی از بیمارستان به منزل منتقل شدم.

حقوق معلم و کارگر: پس شما الان بخاطر پرونده ای به زندان احضار شده اید که شاکی آن دولت و وزارت اطلاعات است؟ آیا پیگیری برای رفع این اتهام داشته اید؟ بهشتی لنگرودی: بله شاکی پرونده وزارت اطلاعات و مربوط به دوره ی آقای احمدی نژاد است. البته توقع داشتم که در دوره ی جناب روحانی، وزارت اطلاعات دست از پی گیری شکایت هایی که علیه فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی صورت گرفته بردارد **اما ظاهراً در هنوز بر همان پاشنه می چرخد** که نمونه اش همین احضار مجدد بنده و سخت گیری های اخیر است.



حقوق معلم و کارگر: با توجه به اینکه برخی افراد با اتهامات مالی و اختلاس مانند بقایی و حسین فریدون با وثیقه های میلیاردی آزاد هستند این نوع برخورد قوه قضاییه با فعالان صنفی چه معنایی دارد؟ بهشتی لنگرودی: من در جریان جزئیات پرونده ی آقایان بقایی و فریدون نیستم اما اصولاً نگاه مسوولان قضایی و امنیتی نسبت به این دو موضوع متفاوت است. شاید یکی از دلایل گسترش فسادهای مالی و اقتصادی به همین نوع نگاه بر می گردد. نگاه آمیخته با تساهل و تسامح قوه ی قضاییه نسبت به این گونه مفاسد و در عوض تمرکز سخت گیرانه این دستگاه ها به فعالان و فعالیت های صنفی، مدنی، اجتماعی و سیاسی باعث شده که فعالان این عرصه ها فشارهای مضاعفی را تحمل کنند و در عوض فسادان و اخلاص گران در امور اجتماعی و اقتصادی، آزادانه و بدون دغدغه به جولان بپردازند. مضافاً این که عدم استقلال دستگاه قضایی و تبعیت بی چون و چرای برخی قضات دادگاه های انقلاب از نیروهای امنیتی باعث شده که با فعالان این عرصه ها به عنوان گروگان برخورد شود و در بسیاری از مواقع به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه، این گونه سخت گیری ها را تشدید نمایند.

حقوق معلم و کارگر: با توجه به شرایط پیش آمده و تهدید به ضبط وثیقه تصمیم شما چیست؟ آیا به زندان بر می گردید؟ بهشتی لنگرودی: طی هفته ی آینده به همراه وکیل محترم و وثیقه گذار به دادستانی خواهم رفت. تصورم این است که عزمشان جدی است با این وصف تصمیم نهایی را بعد از گفت و گو و اتمام حجت با جناب حاج مرادی، دادیار ناظر بر زندان خواهم گرفت. اما تحت هر شرایطی، در صورت بازگشت به زندان، اعتصاب غذا قطعی است. نه به این دلیل که تحمل زندان برایم سخت است، خیر. اما سکوت در برابر ظلم برایم واقعا سخت است.

حقوق معلم و کارگر: شما گفته بودید دست به اعتصاب غذای خشک خواهید زد در برابر این هزینه چه مطالبه ای دارید؟ بهشتی لنگرودی: خواسته ی بنده یک خواسته ی کاملاً قانونی است. یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. بر اساس این اصل، پرونده های ما باید در دادگاه های عمومی و به صورت علنی، با حضور هیات منصفه بررسی شود. آن چه که در حال حاضر در دادگاه های انقلاب شاهد آن هستیم و احکام بنده هم در همین دادگاه های غیر علنی و چند دقیقه ای صادر گردیده، هیچ سختی با اصل ۱۶۸ قانون اساسی ندارد. علاوه بر این ها مطابق همین اصل، زندانی هایی که مشمول این اصل هستند از امتیازاتی مانند، امکان تماس تلفنی، ملاقات و مرخصی مناسب، پوشیدن لباس زندان و نزدن دستبند و پابند و مجزا بودن از سایر زندانیان برخوردار هستند که متأسفانه در حال حاضر به این قواعد توجه چندانی نمی شود. خواسته ی بنده، برگزاری مجدد دادگاه و رسیدگی به پرونده در دادگاه های صالح، علنی و با حضور هیات منصفه است.

حقوق معلم و کارگر: مطالبه شما درست و قانونی است اما قوه قضاییه نشان داده است که به این خواسته ها تمکین نمی کند. یعنی شما تا رسیدن به این خواسته اعتصاب خواهید کرد؟ بهشتی لنگرودی: من معتقدم، فشار افکار عمومی، تأثیر خود را خواهد گذاشت و قوه ی قضاییه یا هر نهاد دیگری، در نهایت، راهی جز تمکین به قانون نخواهند داشت. البته این راه ممکن است هزینه هایی نیز داشته باشد اما قطعاً این هزینه ها یک جانبه نخواهد بود. راه دیگر توقف اجرای احکام اینچنینی تا زمان فراهم شدن زمینه های لازم برای برگزاری دادگاه های قانونی است.

اعلامیه کانون صنفی معلمان به دلیل بازداشت محمود بهشتی لنگرودی و دیگر فعالان معلمان



در حالی که معلمان و دانش آموزان سراسر ایران، برای بازگشایی مدارس و شروع سال تحصیلی آماده می شوند و انتظار می رفت؛ در استقبال از این رخداد مهم در آموزش کشور، فضای مناسب و به دور از تنش از سوی حاکمیت برای فعالیت صنفی و آموزشی جامعه فرهنگی فراهم گردد؛ خبر بازداشت محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، معلمان کشور را با شوک روبرو ساخته است. بارها اعلام نموده ایم و رساتر از پیش تاکید می کنیم که دغدغه ما چیزی جز بهبود معیشت فرهنگیان و اعتلای آموزش فرزندان کشور نیست و به این برخوردهای امنیتی و خارج از قاعده و قانون اعتراض داریم. کانون صنفی معلمان استان تهران، ضمن اعتراض به بازداشت محمود بهشتی لنگرودی، خواهان آزادی بی قید و شرط تمام معلمان دربند و تبعیدی و تحت حکم، است. محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی و محسن عمرانی باید آزاد گردند، حکم تبعید علی اکبر باغانی لغو شود و به پرونده سازی برای فعالان صنفی خاتمه داده شود. تنها در این صورت است که می توان به شروع سال تحصیلی با اوقی روشن، امیدوار شد. جای معلم در زندان نیست.

یا ما را رسماً دعوت نمایید، یا همه خواهیم آمد!

جناب رئیس جمهور، هیئت وزیران و نمایندگان مجلس، چه فکری در مورد ما بازنشستگان می کنید، که اعلام می نمایم حقوق بازنشستگان افزایش یافته و در چهار سال اخیر حتی دوبرابر شده است! و جناب نوبخت هم اعلام می نماید دیگر توان مالی برای افزایش حقوق بازنشستگان را نداریم؟! و..... واقعا فکر می کنید حالمان خوب است، شکیمان سیر، دلمان خوش، بدهی نداریم، افساط وام نداریم و یا اینکه مبلغ پیش پرداخت خرید خودرو را واقعا داریم؟! و..... فکر می کنید همه در سلامت کاملیم و هیچ دغدغه مالی و درمانی و رفاهی نداریم؟ فرق و فقر بر ما تاکی؟! واقعا فکر می کنید با افزایش حقوق های پلکانی و از نوع قطره چکانی و با طعم همسان سازی مشکلات ما رفع شده است؟..... جناب دکتر روحانی تکلیف ما بازنشستگان چیه و کی قراره مشکلات معیشتی و درمانی ما رفع شوند؟! و..... خلاصه بازم بگویم اگر به شما اعلام می کنند حال همه ی ما بازنشستگان خوب است، شما باور نکنید و فقط کافیه یکبار بطور حضوری و در یک جلسه خودمانی پای درد دل این بازنشستگان فر هیخته و ارزشمند کشوری بنشیند، و این روز هم بهتر از ۲۵ شهریور (روز خانواده و تکریم بازنشستگان) نمی باشد تا از نزدیک خودتان احکام حقوقی ما را مشاهده نمایید، خواهشمندیم در این روز عزیز ما را دعوت به مهمانی در نهاد ریاست جمهوری نمایید و یا خودبه مهمانی خواهیم آمد.

كك کسی نمی گزد!

در معانی کک آورده اند « حشره ای است کوچک به اندازه ی شپش که هنگام راه رفتن می جهد.» در باور عامیانه این جهنده، گزنده بوده و گاه بر تنبان کسی می پریده و می گزیده، گاهی نیز برخی کک را در هوا نعل می کردند که معنایی کنایی داشته. کک گزیدن یک مفهوم کنایی در دوران پالئولیتیک یا پارینه سنگی است. در آن دوران مسولانی وجود داشتند با نام پارینه مسول که دارای دو گوش بودند که آن دو گوش توانایی شنیدن را داشته. در این دوران نیز حشره ای با نام کک وجود داشت که سه هزار گونه بوده و در حال حاضر چند گونه از آن



بیشتر باقی نمانده که فقط در کشورهای دموکرات اروپایی قابل مشاهده است. در زمان پارینه سنگی به دلیل ناتوانی در تکلم، بشر قادر به ارتباط با مسولان نبود و برای ارتباط با مسولان ناچار به استفاده از آتش و دود بود تا اینکه بشر توانست به طور کاملاً اتفاقی به وسیله کک با مسولان ارتباط برقرار کند. کک ها بدین گونه عمل می کردند که وقتی مشکلی چون مسایل زیست محیطی، شغلی، تورم و ... پدید می آمد، مردم کک ها را در راه مسول مربوطه قرار می دادند و کک مد نظر هنگام رد شدن مسول مربوطه به تنبان آن مسول می جهید و او را می گزید. پس از گزیده شدن، مسول مربوطه لحظه ای در آن مکان مکث می کرد و در این بین متوجه مشکلات منطقه ی مربوطه می شد و سعی در مرتفع کردن آن مشکل داشت. با گذشت زمان بشر توانست با مسولان ارتباط برقرار کند و بی نیاز از کک ها شود. به همین ترتیب نسل کک ها آرام آرام از بین رفت و دیگر هیچ ککی هیچ کسی را نگزید. در این بین اشتباه بشر در حفظ نسل و گونه کک بود و بشر نمی دانست که با رشد دانش بشری و با گذشت زمان، رفته رفته مسولان شنوایی خود را از دست خواهند داد و این گونه شد که دیگر « کک کسی هم نمی گزد.»

حال معلمان سال ها از تراکم دانش آموزان سخن می گویند و سال های سال است بسیاری از معلمانی که در حوزه ی رسانه و مطبوعات فعالیت می کنند از مشکلات نظام آموزشی می گویند اما «کک کسی هم نمی گزد.» سال هاست فعالان محیط زیست از تخریب جنگل و کمبود آب سخن می گویند اما «کک کسی هم نمی گزد.» سال هاست فعالان مدنی از حقوق زنان و اقلیت ها در جامعه سخن می گویند اما «کک کسی هم نمی گزد.»

علی بهشتی نیا